

بررسی تطبیقی مبانی تعلق نفقه زوجه در فقه اسلامی و آثار آن در زندگی زناشویی^۱

علمی - پژوهشی

سهیلا رستمی *
وریا حفیدی **
ابوبکر احمدی ***

چکیده

نظام مالی نفقه از آثار ازدواج و از حقوق ثابت زوجه و جزو مسؤلیت‌های زوج در فقه اسلامی است. همه مذاهب اسلامی در خصوص لزوم پرداخت نفقه به زوجه اتفاق نظر دارند؛ اما در مبنای ثبوت علت آن هم‌رأیی نیستند و عقد ازدواج، حبس، تمکین، وجوب با عقد و استقرار با تمکین، تمکین و احتباس، دخول زوج بالغ و یا فراخوانده شدن زوج برای دخول البته در صورت حصول شرایط، و پذیرش حق ریاست و سرپرستی زوج بر خانواده را از مبانی و علل تعلق نفقه به زوجه بیان نموده‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و به شیوه تطبیقی میان مذاهب اسلامی به بررسی دیدگاه‌های مطرح شده از جانب فقها پرداخته است. حاصل استقراء و بررسی دیدگاه‌های فوق، پذیرش نظریه تمکین به‌عنوان مبنای ثبوت نفقه‌ی زوجه است؛ زیرا جامع سایر نظرات و همگام و هماهنگ با مقاصد شریعت، هدف از ازدواج و رسالت کلی بنیاد خانواده است.

واژگان کلیدی: احتباس، ازدواج، تمکین، زوجه، فقه اسلامی، مبنا شناسی، نفقه

۱- تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

* استادیار، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده

مسئول)، ایمیل: s.rostami@uok.ac.ir

** استادیار، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. ایمیل

w.hafidi@uok.ac.ir

*** دانشجوی دکترا، گروه فقه شافعی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل

a1373.ahmadi@gmail.com

مقدمه

تداوم و انسجام هر مجموعه‌ای، نتیجه عوامل متعدد است و مشخص بودن حقوق و مسئولیت‌های افراد از عوامل مؤثر در این زمینه می‌باشد. رابطه مستقیم حق و تکلیف، از مباحث اصلی علمی چون: حقوق، فقه، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و غیره است. نگاه جامع و ژرف به ابعاد مختلف و تبیین حقوق و مسئولیت‌های افراد بر اساس آن، از اموری است که ضامن تداوم و بقای حیات نهادها و مؤسسات می‌باشد. خانواده، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که در صورت تبیین صحیح و دقیق وظایف و مسئولیت‌ها، علاوه بر آشنایی زوجین با مطالبات و وظایف، سبب انسجام و استحکام بنیان خانواده می‌گردد. ازدواج پیوندی است که در همه ادیان، با دیده تکریم بدان نگریسته شده است. با عقد ازدواج، زوجین حقوق و تکالیفی بر عهده خواهند داشت. «نفقه» از جمله حقوق اولیه‌ای است که بعد از ازدواج پرداخت آن بر زوج واجب می‌شود. با این وصف، در خصوص مسئولیتی که بر عهده زوجه در ازای این حق گذاشته می‌شود، در میان مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

۱- بیان مسأله

عقد نکاح مقدس‌ترین پیمان میان زن و مرد است، که حقوق و تکالیفی را بر عهده هر یک از آنان ایجاد می‌کند، بدین معنا که پس از وقوع عقد نکاح، زن و مرد، زوج و زوجه یکدیگر محسوب می‌شوند و آثار مالی و غیرمالی بر عقد نکاح مترتب می‌شود. از جمله آثار مالی نکاح که به‌عنوان حقوق مالی زوجه است و زوج ملزم به پرداخت آن می‌شود، «نفقه» است. پرداخت هزینه‌های لازم زندگی به‌طور عام و مخارج زن به‌طور خاص بر عهده مرد است و در مقابل نیز زوجه نباید از مسئولیتی که بر عهده او گذاشته می‌شود، سر باز زند. نفقه در عرف اسلام نشانه ارزش و احساس مسئولیتی است که مرد برای زن قایل است و نشانه تعهد و تکلیف شوهر برای تأمین زندگی زن می‌باشد. در جوامع غربی چیزی به‌نام حق نفقه وجود ندارد و زن نیز مجبور است برای تأمین معاش خود به تلاش و فعالیت بپردازد در حالی که در حقوق اسلامی زن اگر شغلی هم داشته باشد و درآمد بالایی نیز کسب کند، دارایی او برای خودش محفوظ است و تأمین نیازمندی‌های او بر عهده شوهرش است.

حق نفقه، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آن‌ها قرار داده نمی‌شد به سختی می‌افتادند؛ چون زن در ازدواج، مسئولیت‌هایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی‌هایی را از او می‌گیرد؛ مسئولیت‌هایی مانند شوهرداری، خانه‌داری، بارداری و تربیت فرزند؛ از این‌رو، نفقه حقی است که اسلام برای زن قرار داده است.

فقها در این که نفقه زن در حالت عادی و طبیعی واجب است اختلافی ندارند؛ اما در این که چه چیزی باعث شده که نفقه زوجه بر عهده زوج باشد یا به عبارتی دیگر موجب نفقه زن چه چیزی است؟ و نیز این

سؤال که نفقه از چه زمانی بر زوجه واجب می‌شود یعنی آیا نفقه زن بر شوهر به مجرد عقد زوجیت واجب می‌شود و یا این که مشروط به تحقق تمکین از جانب زن است؟ اختلاف نظر دارند. پاسخگویی به سؤالات مذکور محور اصلی پژوهش حاضر است. به همین خاطر و در ادامه مطلب ابتدا به بررسی ادله وجوب نفقه و سپس دیدگاه‌های گوناگون فقها در مورد موجبات نفقه و ادله آن‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت پس از بیان قول راجح، آثار مترتب بر هر کدام از دیدگاه‌ها بیان می‌گردد.

پس از بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص گردید که در زمینه عنوان مورد پژوهش مقاله حاضر تاکنون به‌صورت اختصاصی و در فقه مذاهب اسلامی بررسی‌ای صورت نگرفته است هرچند که پژوهش، پیرامون موضوع نفقه خالی از سابقه نیست به‌عنوان مثال:

۱) پایان‌نامه «شرایط وجوب نفقه از ناحیه زوج و ضمانت‌اجرای آن در فقه امامیه با تطبیق بر قوانین موضوعه ایران» آمنه کیانی کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

۲) پایان‌نامه «عوامل سقوط نفقه زوجه در حقوق ایران و فقه اسلامی» سیدمحمسن معین‌زاده میرحسینی، کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۹.

۳) پایان‌نامه «عدم پرداخت نفقه زوجه در فقه اسلامی و حقوق ایران»، نگارشاویسی کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

۴) مقاله «بررسی فقهی حقوقی نفقه با نشوز زوجه» احمد رضا خزائی، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد بابل، سال ۱۲، ش ۴۵.

۵) مقاله «ازدواج، نفقه و تمکین» مرتضی محمدی، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۵، ۱۳۸۳. ملاحظه محورهای عمده‌ی پژوهش‌های موجود، روش تحقیق و دستاوردهای آنها نشان می‌دهد که بیان مبانی و موجبات تعلق نفقه به زوجه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، اولاً: در موارد مذکور بررسی نشده و ثانیاً اگر مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته، به همه موارد مطرح از جانب فقها پرداخته نشده و مضاف بر آن دیدگاه‌ها و دلایل اهل سنت نیز بیان نشده است. پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کند با بیان جامع دیدگاه‌های فقهی مذاهب اسلامی و به‌شیوه تطبیقی و فرامذهبی به مطالعه‌ی تحلیلی موجبات و علل چگونگی تعلق نفقه به زوجه بپردازد و با بازخوانی دقیق‌تری از مبانی فقهی در این خصوص، بازتاب‌های آن‌را در روابط بین زوجین ارائه نماید.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و به‌شیوه توصیفی تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوا می‌باشد. محتوای پژوهش با بررسی متون اصیل فقهی حقوقی فقهای متقدم و متأخر مذاهب اسلامی در خصوص مبانی و موجبات نفقه

زوجه تدوین شده است که پس از دسته‌بندی مطالب و جمع‌بندی آرا و دیدگاه‌های متعدد به ارزیابی، نقد و بررسی و توصیف دیدگاه‌های مختلف در این زمینه براساس مقاصد شریعت، نصوص فقهی حقوقی و دلایل عقلی اقدام گردیده و در نهایت دیدگاه راجح تبیین شده است.

۳- یافته‌ها

استقراء آرای فقهی، بیانگر آن است که در میان فقها، به‌صورت کلی، مبانی مختلفی برای ثبوت نفقه بیان شده است. مبانی مذکور عبارتند از: حبس، تمکین، عقد ازدواج، تمکین و حبس، دخول زوج بالغ و یا فراخوانده شدن برای دخول البته در صورت حصول شرایط، و پذیرش ریاست مرد در خانواده. لزوم ارجاع دعوی و اختلافات خانوادگی به مذاهب در دادگاه‌ها، بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی، مستلزم تبیین آرای فقهی در خصوص اطلاع زوجین از وظایف و حقوقشان، همچون موجبات نفقه و آثار مترتب بر آن است که این آگاهی تأثیر به‌سزایی بر کاهش اختلافات خانوادگی و انسجام آن خواهد داشت. در پژوهش حاضر برای بررسی و تبیین دقیق‌تر موضوع ابتدا به بیان مفهوم‌شناسی واژه نفقه و ادله وجوب آن و سپس مبانی مختلف فقهی در خصوص موجبات نفقه زوجه پرداخته خواهد شد. سپس در پایان رأی راجح و آثار عملی مترتب بر تفاوت دیدگاه‌های مذکور در خصوص موجبات نفقه خواهد آمد.

۱-۳- نفقه در لغت و اصطلاح

نفقه در لغت به معنای هزینه زندگی، انفاق و بخشش نمودن و از ریشه «نفق» و جمع آن نفاق، انفاق و نفقات است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۵۷/۱۰). نفقه در اصطلاح فقها به معنای اخراج هزینه‌های زندگی افراد واجب‌النفقه از مال است و در شرع شامل طعام، پوشاک، حق سکونت و توابع آن از قبیل آب، لوازم خانه، لوازم بهداشتی و نظایر این‌ها می‌باشد (زحیلی، بی‌تا، ۷۳۴۸/۱۰؛ جزیری، ۱۴۰۶، ۵۵۳/۴). قانون مدنی ایران که مأخوذ از فقه امامیه است در ماده ۱۱۰۷ در تعریف نفقه زن می‌گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متعارف باشد، و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء». بنابراین می‌توان گفت: نفقه زوجه عبارت است از آن چه زوج به حکم شرع یا قانون برای رفع نیازهای مالی زوجه باید پرداخت کند.

۳-۲- ادله وجوب نفقه

از جمله دلایل اثبات وجوب نفقه قرآن، سنت، اجماع و عقل است:

۱-۲-۳- قرآن: در قرآن کریم آیات متعددی درباره وجوب نفقه زن نازل شده است، از جمله:

(۱) بر اساس آیه: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره/۲۳۳) پدر موظف است که نفقه همسرش را که خوراک و لباس از جمله موارد شاخص آن است، پرداخت نماید و فقها بر اساس این آیه نفقه مادر را بر عهده مرد - پدر فرزند - قرار داده و مرد را موظف به پرداخت نفقه نموده‌اند (شریبینی، ۱۴۱۵، ۴۸۵/۲).

(۲) همچنین آیه «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما أنفقوا من أموالهم» (نساء/۳۴)، از جهت معقول و منصوص بر وجوب پرداخت نفقه دلالت دارد. از جهت معقول بدین سبب که در آیه از مردان به عنوان «قیم» یاد شده است و قیم کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شده و هزینه‌های وی را متقبل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۶۵/۴؛ طوسی، بی‌تا، ۶/۲). همچنین عبارت «وبما أنفقوا من أموالهم»، به صراحت بر وجوب پرداخت نفقه و هزینه از جانب مردان دلالت کرده و منظور از آن، انفاق در مهر و نفقه همسران می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۶۵/۴).

(۳) در آیه دیگر خداوند، وضعیت مالی زوج را مبنایی برای تعیین میزان نفقه ذکر نموده است، چنان‌که در آیه «لینفق ذو سعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهما سیجعل الله بعد عسر یسراً» (طلاق/۷) به این امر اشاره دارد. این آیه به صورت واضح الدلالة وجوب نفقه را بیان می‌نماید (ابن نجیم، بی‌تا، ۱۸۸/۴؛ دمیاطی، ۱۴۱۸، ۶۴/۴).

در این آیه به پرداخت نفقه در حالت تنگدستی و رفاه مردان، امر شده است. شخصی که قادر بر انفاق است مؤظف به انفاق شده و کسی که تنگدست است به نسبت توانایی و به میزان بهره‌وری‌اش از مواهب الهی مکلف به پرداخت نفقه است؛ بدین دلیل که الله متعال هیچ‌کس را بیشتر از آنچه که به وی داده شده، مکلف نموده است و سرانجام به تنگدستانی که با مشقت و سختی از عهده نفقه همسرشان بر می‌آیند، نوید داده است که خداوند متعال بعد از تنگدستی‌ها و مشکلات، راحتی و آسایش قرار داده است.

(۴) از دیگر آیاتی که برای بیان وجوب نفقه بدان استناد شده است، می‌توان به آیه «قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَرْوَاحِهِمْ» (الأحزاب/ ۵۰) اشاره کرد. این آیه بر وجوب نفقه دلالت دارد؛ زیرا نفقه از جمله فروض است (ابن الرفعه، ۲۰۰۹، ۱۶۳/۱۵).

علاوه بر آیات فوق، آیات دیگری نیز وجود دارد که بیانگر وجوب پرداخت نفقه به زوجه است و به جهت رعایت اختصار از پرداختن بدانها صرف‌نظر شده است.

۲-۲-۳- سنت

علاوه بر آیات فوق، احادیثی از پیامبر(ص) وارد شده است که دلالت بر وجوب نفقه می‌کند. برخی از این احادیث عبارتند از:

(۱) پیامبر(ص) می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ، وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ، وَإِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فَرْشَكُمْ، أَحَدًا تَكَرَّهْتُمْ، فَإِنْ فَعَلْنَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مَبْرُوحٍ، وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (مسلم، بی‌تا، ۸۸۶/۲؛ ابو داود، بی‌تا، ۱۸۲/۲). بر اساس قسمت پایانی این حدیث نبوی، نفقه زنان بر شوهر واجب شده است و شوهر

باید به شیوه مناسب و به قدر توان در تأمین نیازهای متداول همسرش بکوشد.

۲) از عایشه روایت شده است که هند نزد رسول الله(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا همانا که ابوسفیان مردی بخیل است و به من و فرزندم چیزی نمی‌دهد مگر این که مخفیانه و درحالی که نمی‌داند از مال او چیزی بردارم. آیا چنین حقی دارم؟ رسول الله(ص) فرمود: «خدی ما یکفیک و ولدک بالمعروف» (بخاری، ۱۴۲۲، ۶۵/۷؛ ابن ماجه، بی تا، ۷۶۹/۲؛ نسائی، ۱۴۰۶، ۲۴۶/۸). این حدیث بر وجوب نفقه همسر و فرزند بر مرد دلالت می‌کند.

۳) حریز می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم آن کس که نفقه‌اش بر من لازم است (و در صورت نپرداختن) بر آن مجبور می‌شوم، کیست؟ آن حضرت فرمود: «الوالدان و الولد و الزوجه»، پدر و مادر، فرزند و همسر (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ۲۴۸/۱).

علاوه بر احادیث فوق، احادیث متعدد دیگری نیز در همین زمینه نقل شده است که بیانگر وجوب پرداخت نفقه به زوجه می‌باشد.

۳-۲-۳- اجماع

فقهها و دانشمندان اسلامی با استناد به آیات و احادیث بر وجوب نفقه زوجه بالغه غیر ناشزه بر عهده مرد اجماع نموده‌اند (ماوردی، بی تا، ۷/۱۵؛ شوکانی، بی تا، ۳۶۱/۶).

۳-۲-۴- عقل

از آنجا که زوجه به جهت استمتاع زوج محبوس بوده و از تصرف در حق خود ممنوع است، بنابراین نفقه و هزینه زندگی‌اش بر عهده مرد خواهد بود. همان‌طور که مخارج و هزینه‌ی زندگی مملوکی که مشغول خدمت مالکش می‌باشد بر عهده مالک است و چنان‌که نفقه و خرجی سربازان به جهت احتباس نفس آنان بر امر جهاد، بر عهده بیت المال است (ماوردی، بی تا، ۷/۱۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ۲۳/۴؛ ابوزهره، ۱۳۷۷، ۲۲۹).

پس از بیان دلایل مشروعیت و وجوب نفقه بر زوجه، مناسب است به بیان دیدگاه فقها در خصوص اسباب وجوب نفقه پرداخته شود.

۳-۳- موجبات نفقه زن

یکی از موارد مهمی که نیاز است به آن پرداخته شود، این است که نفقه از چه زمانی بر زوجه واجب می‌شود یعنی آیا نفقه زن بر شوهر به مجرد عقد زوجیت واجب می‌شود و یا این که مشروط به تحقق تمکین از جانب زن است؟ به این معنی که آیا به صرف عقد نکاح زوجه از همان صبح روز عقد باید نفقه دریافت کند و تنها با بروز نشوز است که این نفقه قطع می‌شود و یا این که نفقه از زمانی بر عهده شوهر واجب می‌شود که زوجه یا به زبان آمادگی خود را بیان کرده باشد و یا با حضور در خانه شوهر به صورت عملی و با

زبان حال تمکین نموده باشد. با جمع‌بندی اقوال و آرای متعدد، می‌توان هفت دیدگاه زیر را استنباط و استقراء نمود:

۳-۳-۱- گروهی از فقها معتقدند که نفقه فقط با عقد نکاح واجب می‌گردد و در مقابل بضع یا بذل منفعت نیست. این دسته از فقها عقد نکاح را علت و سبب وجوب نفقه می‌دانند. این دیدگاه قولی از حنفیه و قولی نزد مالکیه، و یکی از دو روایت منقول از احمد و رأی ظاهریه و سفیان ثوری و برخی از فقهای امامیه است (عینی، ۱۴۲۰، ۶۶۶/۵؛ بغوی، ۱۴۱۸، ۳۳۷/۶؛ زرکشی، ۱۴۱۳، ۱۸/۶؛ ابن حزم، بی‌تا، ۲۴۹/۹؛ مؤمن سبزواری، بی‌تا، ۱۹۴؛ بحرانی، ۱۴۰۹، ۹۹/۲۵). مهم‌ترین دلایل مورد استناد این دیدگاه عبارتند از:

(۱) نفقه در مقابل استمتاع است و استمتاع با عقد واجب می‌گردد؛ پس نفقه نیز چنین است (نووی، بی‌تا، ۲۷۴/۱۸).

(۲) ادله وجوب نفقه، بر عنوان زوجه حمل می‌شود و زوجیت هم به مجرد عقد حاصل می‌شود، پس عقد، سبب وجوب انفاق است و فقط نشوز باعث سقوط نفقه خواهد شد (مؤمن سبزواری، بی‌تا، ۱۹۴).

(۳) برای وجوب نفقه مبتنی بر تمکین، هیچ دلیل صریح و تلویحی وجود ندارد، بلکه صرف ادعاست، اما ادله و اخبار وجوب نفقه را مبتنی بر مجرد عقد دانسته است (بحرانی، ۱۴۰۹، ۹۹/۲۵).

(۴) ابن حزم می‌گوید: «مرد مؤظف است از حین عقد نکاح، بر زن انفاق کند؛ خواه تسلیم از طرف زوجه صورت پذیرد یا خیر، در حق ناشزه و غیر ناشزه و زوجه در هر شرایطی که باشد به مجرد عقد نکاح، نفقه وی بر مرد واجب می‌گردد» (ابن حزم، بی‌تا، ۲۴۹/۹).

۳-۳-۲- فقهای حنفی معتقدند موجب نفقه، حبس زن است (کاسانی، ۱۴۰۶، ۱۷/۴؛ مرغینانی، بی‌تا، ۲۸۵/۲؛ بابریتی، بی‌تا، ۳۷۸/۴؛ عینی، ۱۴۲۰، ۶۶۰/۵). مراد از احتباس ماندن حقیقی یا حکمی در خانه مرد و عدم خروج از آن است. احتباس حقیقی یعنی این که زن حقیقتاً در خانه شوهر به صورت فیزیکی حضور داشته باشد، اما احتباس حکمی یا تقدیری مجرد عقد و تمکین است مادام که از روی ظلم از تمکین امتناع نرورد چراکه لازمه‌ی احتباس استمتاع از زن است. بنابراین نزد حنفیه منظور از احتباس صرف احتباس حقیقی و حضور زن در خانه نیست بلکه معنایی عام‌تر مد نظر بوده و حضور حقیقی و فیزیکی زن در خانه شرط تلقی نشده است (زیلعی، ۱۳۱۳، ۵۲/۳). لازم به ذکر است، از دیدگاه حنفیه نفقه زن ناشزه واجب نیست. ناشزه از دیدگاه ایشان زنی است که بدون اذن شوهر از خانه خارج شده باشد و خود را در اختیار زوج قرار ندهد، بر خلاف حالتی که زن در خانه خود را از تمکین بازدارد و امکان وطی را برای شوهر ایجاد نکند که در این حالت وجوب نفقه همچنان به حالت خود باقی می‌ماند چراکه احتباس ظاهری وجود دارد و مرد قادر به وطی با زن است هر چند به صورت اجباری باشد (زیلعی، ۱۳۱۳، ۵۲/۳).

از جمله مستندات اصلی فقهای حنفی، می‌توان به دلایل زیر اشاره نمود:

(۱) قاعده یا اصل کلی بر این است که: «کل من احتبس لحق غیره ومنفعته، فنفقته علی من احتبس لاجله» (مرغینانی، بی‌تا، ۲/۲۸۵). بر اساس این قاعده، تا زمانی که زن در خانه شوهر است، نفقه او بر شوهر واجب است، هر چند از تمکین امتناع نماید.

(۲) احتباس وسیله‌ای است برای مقصود نکاح که عبارت باشد از جماع و دواعی آن؛ لذا این حق احتباس است که موجب نفقه بوده و در صورت عدم تسلیم نفقه واجب نمی‌باشد زیرا به فوات مقصود و لوازم نکاح منجر می‌شود (بابرتی، بی‌تا، ۴/۳۸۳).

از جمله ایراداتی که بر استدلال اخیر گرفته شده است، مواردی همچون: زن رتقاء و قرناء و امثال آن است که در این موارد، مقصود نکاح در آنها وجود ندارد؛ اما باز نفقه آنها واجب است. در پاسخ به ایراد اخیر نیز گفته شده است که دواعی نکاح از بین نرفته و شخص می‌تواند نیاز خود را از راه‌های دیگری با همسرش برآورده سازد (بابرتی، بی‌تا، ۴/۳۸۳).

(۳) از دیگر دلایل حنفیه، قیاس نفقه زن بر هزینه مضارب و قاضی است. با این توضیح که شخص مضارب اگر برای تجارت با مال مضاربه به مکانی سفر کند هزینه‌های خوراک و لباس و سایر نیازهای او از مال مضاربه تأمین می‌گردد؛ زیرا احتباس شخص مذکور برای تجارت موجب نفقه است. قاضی نیز چنین است و اگر برای تحقیق در مورد پرونده‌ای به جایی مسافرت کند نفقه‌ی او به دلیل احتباس وی برای رسیدگی به امر قضاوت واجب است، همچنین افراد دیگری مثل مفتیان و عاملین صدقات نیز مشمول این حکم اند زیرا نفس خویش را جهت مصالح عمومی حبس نموده‌اند و باید حقوق آنان از بیت المال مسلمین پرداخت شود، چون خود را وقف خدمت برای مسلمین نموده‌اند، بنابراین زوجه هم بر ایشان قیاس می‌شود چون خویشان را وقف خدمت برای زوج نموده است، لذا هزینه‌های زندگی وی برعهده شوهرش می‌باشد (بابرتی، بی‌تا، ۴/۳۷۸؛ عینی، ۱۴۲۰، ۵/۶۶۰؛ زیلعی، ۱۳۱۳، ۵/۷۰).

(۴) زن به جهت استمتاع زوج محبوس بوده و از تصرف در حق خود ممنوع می‌باشد؛ بنابراین نفقه و هزینه زندگی‌اش بر عهده مرد خواهد بود همان‌طور که مخارج و هزینه زندگی مملوکی که مشغول خدمت مالکش می‌باشد بر عهده مالک است و همان‌طور که نفقه و خرجی سربازان از بیت‌المال است به جهت احتباس نفس آنان بر امر جهاد، این مورد شبیه این سخن پیامبر است که

۱. هرکس به خاطر حق کسی بازداشته شود و به نفع او، او را بازدارند، پس نفقه و هزینه او بر شخصی است که به خاطر وی او را بازداشته‌اند.

می‌فرماید: «الخراج بالضمآن^۱» (کاسانی، ۱۴۰۶، ۱۶/۴).

۳-۳-۳- برخی از فقهای مالکی، قول جدید امام شافعی و قول اظهر فقهای امامیه بر آن است که نفقه در مقابل تمکین وجوب پیدا می‌کند (مازری، ۲۰۰۸، ۱۱۴۰/۱؛ قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۵، ۱۱۹/۱؛ ابن بزیه، ۱۴۳۱، ۷۶۶/۱؛ نووی، ۱۴۱۲، ۲۴۵/۴؛ شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۵/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۴/۳۱؛ حلی، ۱۳۸۷، ۲۶۷/۳). بنابراین اگر زوجه از تسلیم خود به زوج امتناع ورزد و امتناع وی، بدون عذر یا مانع شرعی باشد، نفقه‌ی وی ساقط می‌گردد (شیرازی، بی‌تا، ۱۴۸/۳؛ ابن مفلح، ۱۴۱۸، ۱۵۷/۷).

این دسته از فقها نفقه زن را در برابر تمکین تام زن قرار داده‌اند. مناسب است، پیش از پرداختن به ادله این دیدگاه معنای تمکین به اختصار بیان شود.

«تمکین» در لغت مصدر فعل «مَكَّنَ، يَمَكِّنُ تمکیناً» و به معنای قدرتمند ساختن (جرجانی، ۱۴۰۳، ۹۲/۱؛ زبیدی، بی‌تا، ۱۹۱/۳۶) و اعطای قدرت و دادن سلطه و فرمان‌برداری است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۱۲/۱۳). چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «وَتُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (قصص/۶).

تمکین در اصطلاح فقهی عبارت است از آمادگی زن در برابر شوهر خود است به این معنی که زن خود را در هر زمان و مکان مناسب تسلیم شوهر کند و از اجابت خواسته او امتناع نرزد (زیدان، ۱۴۱۳، ۱۱۱/۶-۱۰؛ جلالی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۳۲). فقهای امامیه در تعریف تمکین گفته‌اند: تمکین آن است که زن جهت استمتاع، خود را در اختیار شوهر قرار دهد و استمتاع شوهر از خود را - جز در موارد وجود مانع عقلی یا شرعی - محدود به زمان یا مکان و یا کیفیت خاصی نکند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۱۰۳/۲۵).

طرفداران دسته اخیر برای اثبات دیدگاه خویش به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

۱) پیامبر(ص) عائشه بنت ابی‌بکر را در سن شش سالگی به عقد خود درآورد ولی تا سن نه سالگی و دخول به ایشان نفقه‌ای پرداخت نکرده است (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۲۳۰/۹). بنابراین اگر حق نفقه با عقد بود، باید پیامبر(ص) نفقه او را پرداخت می‌کرد و هیچ‌کسی پرداخت نفقه پیامبر به عایشه را در زمان عقد نقل نکرده است.

۱. این قاعده بدین معناست که درآمد و مفهوم یک چیز از قبیل عین یا منفعت و بهره از آن مشتری است، به ازای ضمانت ملک و مسئولیتی که بر عهده وی بوده است به‌گونه‌ای که اگر مبیع تلف شود جزء ضمان و مسئولیت وی قرار می‌گیرد و از جهت مقابله‌ی میان غنیمت و غرامت، درآمد و بهره‌ی مبیع جزو حقوق مشتری می‌باشد (افسری، ۱۳۹۵، ۲۰۲-۲۰۳). اگر به صورت تسامحی شباهت میان این دو مسئله را بپذیریم معنای شبیه بودن نفقه زن به این قاعده این‌طور خواهد بود که: زن نیز مانند عینی در اختیار مرد بوده و بضع خویش را در اختیار مرد قرار داده است و چون حق حبس موجب ضرر رساندن به زن است لذا باید از جهت مقابله‌ی غنیمت و غرامت، مرد به جبران ضرر وارده اقدام ورزد که همان دادن نفقه به وی می‌باشد. همچنین می‌توان این مسئله را ذیل قاعده «الغرم بالغنم» نیز قرار داد. قاعده بیان می‌دارد که غرامت مقابل غنیمت است؛ یعنی کسی که منفعت چیزی عایدش می‌شود، زیان و ضررش را هم متحمل می‌گردد (افسری، ۱۳۹۵، ۲۰۹). در مسئله نفقه زن نیز چنین است توضیح این‌که مرد حق بضع زن را داشته و این یک منفعت برای وی محسوب می‌گردد و چون حبس زن موجب ضرر به وی است لذا باید غرامت آن را بر عهده بگیرد که همان دادن نفقه به زن است.

(۲) نفقه عوضی در مقابل استمتاع و تمکین است و تا زمانی که استمتاع محقق نشود، پرداخت عوض نیز واجب نخواهد بود و زوجه زمانی مستحق نفقه خواهد بود که خود را تسلیم زوج نماید (کاسانی، ۱۴۰۶، ۲۲/۴؛ قرطبی، بی‌تا، ۱۷۴/۵؛ دمیاطی، ۱۴۱۸، ۶۰/۶؛ شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۵/۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۷۸/۸).

(۳) عقد، مهر را واجب می‌گرداند و صرف عقد نمی‌تواند هم‌زمان دو عوض - مهر و نفقه - را واجب گرداند و نیز نفقه مجهول بوده و عقد، این قابلیت را ندارد که مال مجهول را واجب گرداند (شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۷/۵؛ بغوی، ۱۴۱۸، ۳۴۱/۶؛ ابن الملکن، ۱۴۲۱، ۱۴۸۲/۴؛ محقق حلی، ۱۳۵۸، ۷۱۵/۲-۷۱۶).

(۴) نفقه مجهول است و عقد، موجب مال مجهول نخواهد بود (شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۷/۵). علاوه بر این‌ها، نظریه مشهور میان فقها، نظریه لزوم تمکین و تسلیم زن در برابر مرد است و این مسأله را فقها در باب نشوز زن مطرح کرده و ضمانت اجرای آن را ترک انفاق قرارداده‌اند (شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۵/۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۲۹۶/۹؛ ابن حاجب، ۱۴۲۱، ۳۳۳/۱).

(۵) مطلق عقد در وجوب نفقه کافی نمی‌باشد به این دلیل که نفقه‌ی زن ناشزه ساقط می‌گردد و بر این مسأله اجماع وجود دارد، پس وجوب نفقه مشروط به تمکین است و پیش از آن به جهت اصالت برائت ذمه، واجب نمی‌باشد (محقق حلی، ۱۳۵۸، ۷۱۵/۲-۷۱۶).

(۶) در حالت عدم تمکین، زن خود را وقف انجام حق شوهر نکرده است، همان‌گونه که اگر فروشنده، کالای فروخته شده را به خریدار ندهد یا به‌طور کامل آن را در اختیار وی قرار ندهد، پرداخت بهای آن واجب نمی‌شود (سید سابق، ۱۳۹۷، ۱۷۱/۲).

لازم به ذکر است که قانون مدنی ایران نیز به تبعیت از فقه امامیه، وجوب نفقه را منوط به تمکین زوجه دانسته است چنان‌که در ماده (۱۱۰۸) ق.م.آمه: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». به عبارتی دیگر، اگر زن بدون عذر موجه حاضر به زندگی با شوهر نشود و یا از برقراری رابطه‌ی جنسی با او امتناع کند، حتی بر نفقه ندارد. پس اگر تمکین حاصل نشود، نفقه واجب نمی‌باشد.

۳-۳-۴ - نفقه با عقد واجب گشته و با تمکین استقرار می‌یابد. این قول قدیم شافعی است که برخی از بزرگان شافعی مذهب، آن را به عنوان، قول جدید نقل کرده‌اند (قلیوبی، ۱۴۱۵، ۷۸/۴؛ دمیاطی، ۱۴۱۸، ۷۱/۴؛ شربینی، ۱۴۱۵، ۱۶۷/۵).

دلیل شافعی در قول قدیم قیاس نفقه بر مهریه است؛ با این توضیح که اگرچه زن، مریض یا رتقاء

باشد، در هر صورت، پرداخت مهریه او واجب است؛ بر این اساس، نفقه هم بر آن قیاس می‌شود و نفقه نیز به مجرد عقد بر زوج واجب می‌شود (دمیاطی، ۱۴۱۸، ۷۱/۴).

۳-۳-۵- برخی از فقهای مالکی و غالب فقهای حنبلی، تمکین و احتباس را با هم موجب نفقه دانسته‌اند و از آن به‌عنوان «تمکین تام» یاد می‌کنند (رجراجی، ۱۴۲۸، ۵۱۵/۳؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴، ۲۲۷/۳؛ زرکشی، ۱۴۱۳، ۱۸/۶). طرفداران دیدگاه اخیر، به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

(۱) نفقه در مقابل استمتاع است و آن به‌وسیله‌ی تمکین برای مرد محقق می‌گردد و با وجود عدم تسلیم و احتباس از طرف زن صورت نخواهد پذیرفت (زرکشی، ۱۴۱۳، ۱۸/۶).

(۲) روایت جابر از پیامبر(ص) که فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ، وَأَسْتَحَلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ، وَإِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فَرْشَكُمْ، أَحَدًا تَكَرَّهُوْنَ، فَإِنْ فَعَلْنَا فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ، وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (مسلم، بی‌تا، ۸۸۶/۲؛ ابو داود، بی‌تا، ۱۸۲/۲).

ابن قدامه در استدلال به این حدیث می‌گوید: اگر زن از تسلیم نفس خود سرباز زند یا تمکینی بر یک نوع استمتاع داشته و از نوع دیگر خودداری ورزد، یا در منزلی و منطقه‌ای تسلیم و تمکین داشته و در منزلی دیگر ابا ورزد، برای چنین زنی نفقه‌ای وجود نخواهد داشت؛ زیرا تمکین تام نداشته است، و این شبیه شخص بائن است اگر از تسلیم مبیع امتناع ورزد، و یا کالا را در بعضی از مناطق تسلیم خریدار کرده و در مکان‌های دیگر آن‌را تحویل ندهد - البته به این شرط که قبلاً توسط طرفین قراردادی بسته نشده باشد - اما اگر زن خود را بر مرد عرضه داشته و تمکین تام داشته باشد، نفقه‌اش واجب است. همچنین پیامبر(ص) عائشه را به ازدواج خود درآورد و نفقه او را تا زمان تمکین پرداخت نمود (ابن قدامه، ۱۴۱۴، ۲۲۷/۳).

۳-۳-۶- امام مالک در قول دیگری سبب وجوب نفقه زوجه را دخول زوج بالغ و یا فراخوانده شدن زوج برای دخول البته به شرط توانایی زوجه برای انجام رابطه زناشویی بیان نموده است؛ حتی اگر وطئ هم صورت نگیرد^۱ (دسوقی، بی‌تا، ۵۲۴/۲؛ ابن رشد، ۱۴۲۵، ۷۷/۳).

این دیدگاه را نمی‌توان از حیث مبنایی، دیدگاهی مستقل به‌شمار آورد؛ زیرا بیشتر جنبه‌ی مصداقی دارد و می‌تواند در ذیل دیدگاه‌های دیگر قرار گیرد، اما از آنجا که آثار عملی خاصی بر آن مترتب می‌شود، از آن جهت، مناسب است که به‌عنوان دیدگاهی مستقل ذکر شود.

۳-۳-۷- گروهی از فقها نیز معتقدند که وجوب نفقه در مقابل پذیرش حق ریاست یا سرپرستی شوهر بر خانواده - زن و فرزندان - است که در فقه به آن «حق الطاعه» اطلاق می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴،

^۱ لازم به ذکر است که منظور از دخول در این حالت مجرد خلوت است که به واسطه آن نفقه زوجه، بر زوج واجب می‌شود (دسوقی، بی‌تا،

(۳۰۶/۳۱).

صاحب جواهر در بیان دلیل این دیدگاه به آیه «الرجال قوامون على النساء» (نساء/ ۳۴) استناد کرده است. ابتدای این آیه بیانگر حقی است که به مردان داده شده است و در مقابل این حق در ادامه‌ی آیه: «و بما انفقوا من أموالهم»، تکلیفی را بر عهده وی نهاده که همان تأمین هزینه خانواده - نفقه زن - می‌باشد. لذا ریاست مردان سبب الزام آن‌ها به پرداخت نفقه است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۶/۳۱). زحیلی نیز با چنین برداشتی از آیه فوق، حق ریاست شوهر را سبب انفاق زن ذکر کرده است (زحیلی، ۱۴۲۰، ۸۲).

چنان‌که مشاهده می‌شود، در باب ثبوت حق نفقه در میان مذاهب اتفاق نظر وجود دارد، اما در خصوص علت ثبوت آن، اختلافات متعددی وجود دارد که با جمع‌بندی آرای موجود و مبانی هفتگانه مذکور، که برای سبب وجوب نفقه بیان گردید، این سوال به ذهن خطور می‌کند که در میان آرای مذکور کدام یک رأی راجح است.

۴-۳- دیدگاه راجح: به نظر می‌رسد رأی حنابله در این زمینه دیدگاه راجح باشد؛ یعنی موجب نفقه‌ی زن تمکین و احتباس با هم است، زیرا چنان‌که در ذیل دیدگاه حنفیه ذکر شد، منظور از احتباس، حضور فیزیکی زن و حضور در خانه نیست؛ بلکه معنای تمکین و استمتاع را در خود دارد و بیان شد که لازمه‌ی احتباس، استمتاع از زن است. بنابراین هرچند حنفیه احتباس را موجب نفقه‌ی زن دانسته‌اند، اما مرادشان زنی است که خود را در اختیار شوهر قرار داده و امکان وطی را برای شوهر ایجاد کند. بابرتهی حنفی گفته است: «احتباس وسیله‌ای است برای مقصود نکاح که عبارت باشد از جماع و دواعی آن؛ لذا این حق احتباس است که موجب نفقه بوده و در صورت عدم تسلیم، نفقه واجب نمی‌شود، زیرا به فوات مقصود و لوازم نکاح منجر می‌گردد (بابرتهی، بی‌تا، ۳۸۳/۴). از کلام بابرتهی چنین برداشت می‌شود که مقصود اصلی احتباس جماع و دواعی آن است که در قالب تمکین نمود پیدا می‌کند.

اما دیدگاه کسانی که نفقه را در مقابل صرف عقد می‌دانند از چند جهت قابل نقد است:

(۱) ادعای عدم وجود دلیل صریح یا ضمنی در خصوص اثبات نفقه با تمکین زن، مقرون به صحت نبوده و با حدیث ازدواج عائشه نقد و رد می‌شود؛ چراکه پیامبر(ص) وی را در سن شش سالگی به عقد خود در آورد و در سن نه سالگی و هنگام دخول بود که نفقه‌ی او را پرداخت نمود (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۲۳۰/۹).

(۲) نفقه مجهول بوده و بر اساس مبانی فقهی، عقد قابلیت این را ندارد که مال مجهول را واجب گرداند.

(۳) نظریه‌ی مشهور فقها اسقاط نفقه در مقابل نشوز است، پس وجوب نفقه مشروط به تمکین است و پیش از آن به جهت اصالت براءت ذمه، واجب نمی‌باشد (محقق حلی، ۱۳۵۸، ۷۱۵/۲-۷۱۶).

(۴) استدلال به این‌که، نفقه در مقابل استمتاع است و استمتاع با عقد واجب می‌آید، پس عقد سبب

نفقه است، از این جهت قابل نقد است که وجود عقد لازمه‌ی استمتاع است و تا عقدی نباشد، استمتاع هم معنایی ندارد اما وجود عقد به معنای وجوب پرداخت نفقه نیست، بلکه نفقه مشروط است به وجود عقد؛ یعنی تا شرط نباشد، مشروط هم محقق نمی‌گردد اما لازم نیست که با وجود شرط، مشروط هم به صورت حتمی تحقق پذیرد. برای نمونه: وضو شرط نماز است و تا شخص وضو نداشته باشد نمی‌تواند نماز بگزارد اما لازم نیست که شخص متوضیء حتما نماز بگزارد و ممکن است وضو به جهت خنکی بوده باشد.

(۵) نظر مشهور فقها بر این است که نشوز در مقابل تمکین است و نه عقد؛ بنابراین اگر معنی اصلی احتباس را همان تمکین بدانیم رأی حنفیه همسو با نظر امامیه و شافعیه است و نظر حنابله هم جمع بین آن دو است اگر معنای عام احتباس مد نظر باشد و پذیرش این دیدگاه از این جهت راجح است که جمع میان اقوال بوده و می‌تواند دیدگاه‌های مختلف را در ذیل خود قرار دهد.

بر این اساس، اگر زن از تسلیم نفس خود سرباز زند یا تمکینی بر یک نوع استمتاع داشته و از نوع دیگر خودداری ورزد، یا در منزلی و منطقه‌ای تسلیم و تمکین داشته و در منزلی دیگر ابا ورزد، برای چنین زنی نفقه‌ای وجود نخواهد داشت؛ زیرا تمکین تام نداشته است، و این شبیه شخص بائع است که از تسلیم مبیع امتناع ورزد، و یا کالا را در بعضی از مناطق تسلیم خریدار کرده و در مکان‌های دیگر آن‌را تحویل ندهد - البته به این شرط که قبلاً توسط طرفین قراردادی بسته نشده باشد - اما اگر زن خود را بر مرد عرضه داشته و تمکین تام داشته باشد، نفقه‌اش واجب است.

با این توضیح مشخص می‌شود که موجب نفقه، تمکین است و این مبنا با دلایل عقلی و نقلی و نیز با مقاصد شریعت همخوانی بیشتری دارد. حال در پایان این سؤال مطرح می‌شود که اختلافات مذکور در سبب وجوب نفقه، چه آثار عملی‌ای در پی دارد و نتیجه عملی اختلاف نظری، در چه مواردی قابل مشاهده است.

۵-۳- آثار عملی اختلاف در اسباب وجوب نفقه

چنان‌که گذشت مذاهب مختلف، مبانی متعددی را برای ثبوت نفقه بیان کرده‌اند و هر یک از این مبانی، آثار عملی مختلفی را بر فروع احکام گذاشته است که در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۵-۳- اختلاف در مورد وقوع تمکین

هرگاه زوجین در موضوع تمکین نزاع داشته باشند و زوجه مدعی تمکین و زوج منکر آن باشد، و بینه-ای هم وجود نداشته باشد، چنان‌چه قائل به وجوب نفقه با عقد باشیم، زوج باید نشوز را اثبات نماید؛ زیرا به موجب این نظریه نفقه با عقد ثابت شده و تا نشوز اثبات نگردد، نفقه ثابت نمی‌شود، و در این حالت زن است که تصدیق می‌شود؛ زیرا اصل بقای آن چیزی است که با عقد واجب آمده است اما مرد ادعای ساقط شدن آن‌را دارد. اما اگر قائل به وجوب نفقه با تمکین باشیم، زن باید تمکین را اثبات کند؛ زیرا تمکین شرط

ثبوت نفقه است و تا زن حصول آن شرط را اثبات نکند، طلب او ثابت نخواهد شد (شربینی، ۱۴۱۵، ۸۴۲/۴؛ محقق داماد، ۲۹۸).

۲-۵-۳- خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

اگر بگوییم علت احتباس است، مقتضای این قول این می‌شود که اگر زن بدون اذن شوهرش از منزل خارج شد نفقه به او تعلق نمی‌گیرد زیرا احتباس تام از جانب او حاصل نشده است، و اگر بگوییم علت تمکین است، کسی که ملازم خانه شوهرش باشد اما امکان تمکین را به وسیله جماع فراهم نسازد، تمکین تام از جانب او حاصل نشده و نفقه‌ی وی واجب نیست، و اگر بگوییم علت عقد زوجیت است برای او در هر دو حالت مذکور نفقه واجب است (سیدسابق، ۱۳۹۷، ۱۷۱/۲).

۳-۵-۳- نفقه زن مطلقه در طلاق بائن

از دیگر ثمرات اختلاف، حکم استحقاق نفقه در عده بائن می‌باشد. مطابق رأی حنفیه، در زمان عده بائن، زوجه حق نفقه دارد؛ خواه این جدایی، حاصل طلاق یا غیر طلاق، رجعی یا بائن باشد و در مورد حامل و غیر حامل هم تفاوتی ندارد و یکسان است، و خواه جدایی از جانب زوج یا زوجه باشد مگر زمانی که فراق از جهت زوجه به سبب محظوری باشد که در این صورت حق نفقه ندارد؛ زیرا در تمام این موارد بعد از عقد نکاح، حق حبس ثابت می‌باشد (کاسانی، ۱۴۰۶، ۲۱۰/۳)؛ اما بر طبق دیدگاه کسانی که موجب نفقه را عقد نکاح و تمکین می‌دانند، نفقه برای مطلقه رجعیه و یا طلاق بائن در صورتی که زوجه حامله باشد، ثابت می‌باشد ولی زوجه‌ای که در عده بائن به سر می‌برد در صورتی که حامله نباشد حق نفقه نخواهد داشت زیرا نکاح با طلاق بائن قطع گشته و علقه زوجیت میان آن‌ها از بین رفته است (زحیلی، بی‌تا، ۲۷۵/۱۰).

۴-۵-۳- وجوب نفقه در صورت احتباس و عدم امکان استمتاع

از جمله نتایج عملی اختلاف در مبانی مذکور، در حالت‌هایی که زوج امکان استمتاع را نداشته باشد، برای مثال در حالاتی که زوج صغیر، مریض و یا غایب باشد، در این موارد، طبق رأی حنفیه، به سبب وجود حق احتباس، پرداخت نفقه واجب است، در حالی که طبق نظر فقهای مالکی، نفقه به جهت عدم امکان استمتاع واجب نمی‌گردد (ابن رشد، ۱۴۲۵، ۷۷/۳).

۵-۵-۳- نفقه زوجه صغیر

مطابق رأی فقهای مالکی هرگاه زوجه صغیره تحمل نزدیکی را داشته باشد و همخوابگی حاصل گردد، نفقه وی واجب می‌گردد، در غیر این صورت زوجه صغیره مستحق نفقه نخواهد بود (دردیر، بی‌تا، ۵۱۸/۱)، اما ابویوسف حنفی معتقد است هرگاه شوهر، زن نابالغ را برای انس گرفتن یا خدمت در منزل خود نگه داشته باشد، باید نفقه او را بپردازد به دلیل این که عدم استمتاع زوج به علت وجود مانع، موجب سقوط نفقه نمی‌شود؛ زیرا برای وی این امکان وجود دارد از طرق دیگر مانند نگاه کردن، بوسیدن و .. استمتاع کند، لذا نفقه برای چنین زنی واجب است، چه مبنای وجوب نفقه، احتباس بوده و منظور از احتباس نیز تمتع از زن است و مرد به تمکین ناقص راضی گشته است (کاسانی، ۱۴۰۶، ۱۹/۴).

از دیدگاه فقهای امامیه نیز، اگر زوجه صغیره باشد و نتوان با او آمیزش داشت، بنابر قول تمکین، نفقه او واجب نیست؛ چون تمکین تحقق نیافته است، برخلاف ابن ادریس در کتاب «السرائر»، که نفقه زن صغیره را به شرطی که شوهرش کبیر باشد، واجب دانسته است، این درحالی است که بحرانی بر مبنای اخبار موجود، مجرد عقد زوجیت را سبب انفاق دانسته است و بنابراین نفقه زن صغیره هم بر مرد واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۲/۸-۴۴۳؛ بحرانی، بی تا، ۱۰۳/۲۵-۱۰۴)

۳-۵-۶- اثبات نشوز زوجه

مطابق دیدگاه کسانی که معتقد به وجوب نفقه با عقد هستند، به مجرد عقد، نفقه بر شوهر واجب می-شود، چنانچه مرد مدعی نشوز زن باشد باید به عنوان مدعی آن را ثابت نماید. اما طبق دیدگاه کسانی که قائل به وجوب نفقه بر مبنای حق ریاست شوهر هستند، ریاست زوج یکی از قواعد و آثار حاکم بر نکاح در عقد دائم می باشد که به محض انعقاد نکاح این آثار بر آن مترتب می شود و زن ریاست شوهر را پذیرفته و با ورود در منزل شوهر به طور عملی در مواردی که قانوناً باید از شوهر اطاعت نماید، خود را مطیع شوهر قرار داده است. به این ترتیب نفقه بر شوهر واجب می شود؛ مگر این که شوهر، نشوز زن را در عدم اطاعت وی اثبات نماید. پس شوهر باید برای نشوز زن دلیل اقامه نماید. در این راستا یکی از فقهای معاصر با عنایت به انصراف ادله حقوق زوجین به زوجهایی که داخل در سرپرستی شوهر شده، اظهار داشته است: «اگر شوهر مدعی عدم تحقق عنوان انصرافی شود؛ (ادعا کند که هنوز زوجه داخل در حباله و سرپرستی او نشده است)، اصل تصدیق شوهر است - و زوجه باید بینه بیاورد - و اگر بر تحقق عنوان انصرافی، اتفاق دارند و اختلاف در نشوز باشد، اصل موافقت با زوجه است و شوهر باید بینه بیاورد» (اراک، ۱۳۷۷، ۷۴۶).

۳-۷-۵- موانع تمکین

اگر زن، خود را به شوهر تسلیم کرد و حال آن که به گونه ای بیمار بود، که مانع آمیزش با شوهر بود، نفقه او واجب می باشد، چون حسن معاشرت زناشوئی و رفتار نیکو و شایسته با زن، که خداوند بدان امر کرده است، حکم نمی کند که موجب تزییع حق واجب او گردد، که نفقه است. زنی که مجرای عمل جنسی او مسدود باشد، یا لاغر اندام باشد یا دارای عیبی باشد که مانع آمیزش جنسی گردد و با وجود آن شوهر نتواند با وی آمیزش کند، این زن هم حکم زن بیمار را دارد (سیدسابق، ۱۳۹۷، ۱۷۱/۲-۱۷۲).

بر این اساس، فقهای که تمکین کامل را موجب انفاق دانسته و سایر استمتاعات را تبعی و غیر کافی می دانستند، در این مرحله به سایر استمتاعات اکتفا نموده اند و معتقدند، عذر شرعی یا عقلی موجب سقوط نفقه نیست و شامل مصادیق نشوز نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۶۵/۲)، اما مطابق دیدگاه کسانی که عقد و حق ریاست شوهر بر زن را موجب نفقه می دانند، نفقه برای زن ثابت است، چون سبب نفقه زوجیت است و زوجیت هم با این امراض منحل نمی شود، و وجود این امراض، زن را از اطاعت زوج خارج نمی کند و از مصادیق نشوز یا نافرمانی زوجه شمرده نمی شود. زیرا بنا بر نظریه مذکور تنها نشوز، مانع حقوق مترتب بر زوجیت می باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۱۲).

۳-۶- بحث و نتیجه‌گیری

از اصلی‌ترین عوامل انسجام و استحکام نهادها و سازمان‌ها، تبیین صحیح حقوق و مسئولیت‌ها و مشخص بودن وظایف افراد است و عدم تبیین صحیح یا ابهام در این حوزه می‌تواند موجب نزاع و افزایش مطالبات افراد گردد. از راهکارهای انسجام بخشی زندگی زناشویی و استحکام خانواده‌ها، تبیین مبنا و علت ثبوت حق نفقه زن است. با توجه به این‌که در ازای هر حقی، تکلیف و مسئولیتی قرار دارد، دانستن مسئولیت‌هایی که از زوجه در مقابل دریافت این حق انتظار می‌رود، سبب کاهش اختلافات، منازعات و مطالبات غیرمعمول خواهد شد که نتیجه آن انسجام بیشتر نهاد خانواده و جلوگیری از طلاق می‌باشد.

پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص نفقه، غالباً به تحدید و بیان ماهیت نفقه، چگونگی تحدید مقدار و شیوه‌های اثبات پرداخت و عدم پرداخت آن، پرداخته و تنقیح مبانی و اسباب ثبوت نفقه که از حیث ماهوی مقدم و از حیث رتبه نیز اهمیت بیشتری دارند، مغفول مانده و تا کنون به استقراء و تنقیح آنها در قالب یک پژوهش علمی اقدام نشده است.

با استناد به ماده ۱۲ قانون اساسی که بیانگر لزوم رسیدگی دعاوی خانوادگی بر اساس مبانی فقهی زوجین است، لذا از راهکارهای کاهش منازعات و نیز تقلیل سیر اداری رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با حوزه نفقه، تنقیح مبانی و اسباب وجوب نفقه امری ضروری می‌باشد.

با استقراء آرای فقهی مشخص گشت که در میان مذاهب اسلامی، در خصوص اسباب ثبوت نفقه اختلاف نظر وجود دارد. از دیدگاه فقهای شافعی و قول اظهر فقهای امامیه، نفقه با تمکین ثابت می‌شود. از دیدگاه فقهای حنفی، نفقه با ماندن زن در خانه ثابت می‌گردد؛ حال آنکه از دیدگاه فقهای حنبلی نفقه با حبس و تمکین ثابت می‌شود. نجفی از فقهای بزرگ امامیه، معتقد است نفقه با ثبوت ریاست و پذیرش مدیریت مرد در خانه ثابت می‌گردد. دیدگاه‌های مذکور با هم قابل جمع می‌باشند. به این صورت که اگر معنای اصلی احتباس را تمکین بدانیم که از مصادیق حسن معاشرت زوجین با هم می‌باشد، امکان جمع بین مبانی مذکور وجود دارد. مبنای اخیر ضمن جمع بین اقوال مذاهب، همخوانی بیشتری با مقاصد شریعت، هدف از ازدواج و رسالت کلی بنیاد خانواده داشته و امکان توجه بیشتر زنان به مسئولیت‌های مختلفی همچون رسیدگی به امور منزل و تربیت فرزندان و سایر امور مرتبط را فراهم می‌سازد و با خوانش صحیح از نفقه، می‌توان گفت نفقه موجب اطمینان خاطر زوجه در رفع نیازهای مختلف وی خواهد بود.

لازم به ذکر است با پذیرش دیدگاه فوق، اگر زن از تسلیم نفس خود سر باز زند یا تمکینی بر یک نوع استمتاع داشته و از نوع دیگر خودداری ورزد، یا در منزلی و منطقه‌ای تسلیم و تمکین داشته و در منزلی دیگر ابا ورزد، برای چنین زنی نفقه‌ای وجود نخواهد داشت؛ زیرا تمکین تام نداشته است، و این شبیه شخص بایع است اگر از تسلیم مبیع امتناع ورزد، و یا کالا را در بعضی از مناطق تسلیم خریدار کرده و در مکان‌های دیگر آن را تحویل ندهد - البته به این شرط که قبلاً توسط طرفین قراردادی بسته نشده باشد -

اما اگر زن تمکین تام داشته باشد، نفقه‌اش واجب است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بزیه، عبدالعزیز. (۱۴۳۱). *روضه المستبین فی شرح کتاب التلقین*. بیروت: دار ابن حزم.
- ۳- ابن حزم، علی (بی تا). *المحلی بالآثار*. بیروت: دار الفکر.
- ۴- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۲۵). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*. قاهره: دار الحديث.
- ۵- ابن الرفعه، احمد (۲۰۰۹). *کفایة النبیة فی شرح التنبیة*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۶- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۰۵). *المعنی*. بیروت: دار الفکر.
- ۷- ابن قدامه، موفق الدین (۱۴۱۴). *الكافی فی فقه الإمام أحمد*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۸- ابن ماجه، محمد (بی تا). *سنن ابن ماجه*. بیروت: دار إحياء الکتب العلمیة.
- ۹- ابن مفلح، ابراهیم (۱۴۱۸). *المبدع فی شرح المقنع*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۱۰- ابن الملقن، عمر بن علی (۱۴۲۱). *عجالة المحتاج إلى توجيه المنهاج*. اردن: دار الکتب.
- ۱۱- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ۱۲- ابن نجیم، زین الدین (بی تا). *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*. بیروت: دار الکتب الإسلامی.
- ۱۳- ابوداود، سلیمان بن الأشعث (بی تا). *سنن ابی داود*. بیروت: المكتبة العصرية.
- ۱۴- اراکی، محمد علی (۱۳۷۷ش). *کتاب النکاح*. قم: نورنگار.
- ۱۵- افسری، سالم (۱۳۹۵ش). *مختصری در قواعد فقه*. سنج: آراس.
- ۱۶- بابرئی، محمد بن محمد (بی تا). *العناية شرح الهدایة*. بیروت: دار الفکر.
- ۱۷- بحرانی، یوسف (۱۴۰۹). *حداثق الناظره فی احکام العترة الطاهره*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۸- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۸). *التهذیب فی فقه الإمام الشافعی*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

- ١٩- جرجانی، علی بن محمد (١٤٠٣). *التعريفات*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٢٠- جزیری، عبدالرحمن (١٤٠٦). *الفقه على المذاهب الأربعة*. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- ٢١- جلالی زاده، جلال (١٣٨٧ ش). *مبایدی و اصطلاحات علم فقه*. تهران: احسان.
- ٢٢- حلّی، محمد بن حسن (١٣٨٧). *ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد*. قم: المطبعة العلمية.
- ٢٣- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (١٣٥٨). *شرائع الاسلام*. قم: موسسه اسماعیلیان.
- ٢٤- دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). *حاشیة الدسوقی على الشرح الكبير*. بيروت: دار الفكر.
- ٢٥- دمیاطی، عثمان بن محمد (١٤١٨). *إعانة الطالبین على حل ألفاظ فتح المعین*. بيروت: دار الفكر.
- ٢٦- ررجاجی، علی بن سعید (١٤٢٨). *مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح المدونة و حلّ مشکلاتها*. بيروت: دار ابن حزم.
- ٢٧- زبیدی، محمد بن محمد (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بيروت: دار الهدایة.
- ٢٨- زحیلی، وهبه (بی تا). *الفقه الإسلامی و ادلته*. دمشق: دار الفكر.
- ٢٩- زحیلی، وهبه (١٤٢٠). *الأسرة المسلمة فی العالم المعاصر*. دمشق: دار الفكر.
- ٣٠- زرکشی، محمد بن عبدالله، (١٤١٣). *شرح الزرکشی على مختصر الخرقی*. بيروت: دار العیبهان.
- ٣١- زیدان، عبدالکریم (١٤١٣). *المفصل فی احکام المرأة*. بيروت: موسسه الرساله.
- ٣٢- زبلی، عثمان بن علی (١٣١٣). *تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق*. قاهره: المطبعة الكبرى الأمیریة.
- ٣٣- سید سابق (١٣٩٧). *فقه السنة*. بيروت: دار الكتاب العربی.
- ٣٤- شربینی، محمد (١٤١٥). *معنی المحتاج الی معرفة معانی ألفاظ المنهاج*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٣٥- شوکانی، محمد بن علی (بی تا). *نبیل الأوطار شرح متنقی الأخبار*. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- ٣٦- شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا). *المهذب فی فقه الإمام الشافعی*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٣٧- صدوق، محمد بن علی (١٣٦٢ ش). *الخصال*. قم: منشورات جماعة المدرسین.
- ٣٨- طباطبایی، محمد حسین (١٣٩٣). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ٣٩- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. بيروت: الشرق الأوسط.

- ۴۰- عاملى جُبَعى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه.
- ۴۱- عينى، محمود بن احمد (۱۴۲۰). *البنایه شرح الهدایه*. بيروت: دار الكتب العلميه. ۵
- ۴۲- قاضى عبدالوهاب، عبدالوهاب بن على (۱۴۲۵). *التلقين فى فقه المالکى*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- ۴۳- قرطبى، أبو عبد الله محمد (بی تا). *الجامع لأحكام القرآن*. رياض: دار عالم الكتب.
- ۴۴- قلیوبى، احمد سلامه؛ عميره، احمد البرلسى (۱۴۱۵). *حاشيتنا قلیوبى و عميره*. بيروت: دار الفكر.
- ۴۵- مازرى، محمد بن على (۲۰۰۸). *شرح التلقين*. بيروت: دار الغرب الإسلامى.
- ۴۶- ماوردى، على بن محمد (بی تا). *الإقناع فى الفقه الشافعى*. بيروت: دار الفكر.
- ۴۷- مرغینانى، على بن ابى بكر (بی تا). *الهدایه فى شرح بدايه المبتدى*. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ۴۸- مسلم، مسلم بن الحجاج (بی تا). *صحیح مسلم*. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ۴۹- مؤمن سبزواری، محمد باقر (بی تا). *کفایه الأحكام*. اصفهان: مدرسه صدر مهدوى.
- ۵۰- نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ۵۱- نسائى، احمد بن شعیب (۱۴۰۶). *سنن النسائى*. حلب: مكتب المطبوعات الإسلاميه.
- ۵۲- نووى، يحيى بن شرف (بی تا). *المجموع شرح المذهب*. بيروت: دار الفكر.
- ۵۳- نووى، يحيى بن شرف (۱۴۱۲). *روضه الطالبين و عمده المفتين*. بيروت: المكتب الإسلامى.